

# ارزیابی انتقادی خوانش، هگل از بنیاد آموزه‌های هراکلیتوس

داریوش درویشی\*

## چکیده

فلسفه آلمانی در آغاز دوران نو، نگاه خود را بیش از تمام دیگر سنتهای فلسفی، بسمت یونانیان گرداند و نخستین بنیادها و جانمایه‌های خود را از فلسفه یونانی به وام گرفت؛ این سنت یونانی‌گرایی در فلسفه آلمانی، از سویی ژرفای تازه‌یی به این آموزه‌ها بخشید و از سوی دیگر، به پاره‌یی بدفهمیها درباره فلسفه یونان انجامید. نوشتار حاضر، میکوشد یکی از پرآوازه‌ترین اینگونه بدفهمیها را صورتبندی نماید. این بدفهمی، به بنیاد آموزه‌های هراکلیتوس بازمیگردد؛ فیلسوفان کهنی همچون افلاطون و ارسطو که کتاب هراکلیتوس را در دست داشتند، آموزه جنبش را بنیاد آموزه‌های هراکلیتوس میدانستند. این در حالی بود که هگل، در اوج فلسفه نوین آلمانی، کوشید فلسفه خود را با آموزه‌های هراکلیتوس هماهنگ سازد، اما از آنجا که این کار شدنی نبود، آموزه‌های هراکلیتوس را با مبانی فلسفه خویش همساز نمود. برای نمونه، وی بنیاد فلسفه هراکلیتوس را، نه آموزه «جنبش»، بلکه آموزه «یگانگی همیستاران [= اضداد]» پنداشت. این خوانش هگل، بزودی از سوی برخی پژوهشگران فلسفه یونان پذیرفته شد و نوشتار حاضر میکوشد نشان دهد که

۱۱۱

\* کارشناس ارشد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی؛ [dariush.darvishy@gmail.com](mailto:dariush.darvishy@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۲۷ تاریخ تأیید: ۹۳/۱۱/۲۹

سال پنجم، شماره سوم  
زمستان ۱۳۹۳



بازگشتن به خوانش کهن از بنیاد فلسفه هراکلیتوس، بسیار شایسته‌تر از پذیرفتن خوانش هگلی از چیستی این بنیاد است.

کلیدواژه‌ها: هگل، هراکلیتوس، جنبش، وحدت اضداد، هستی، نیستی، لوگوس، آتش

\* \* \*

### خوانش آلمانی از هراکلیتوس

بیراه نیست اگر در فلسفه نیز همچون تاریخ، به دو شکل منابع دست اول و دست دوم قائل شویم. در کار روی فیلسوفان پیش‌افلاطونی، منابع دست اول ما، نوشته‌های مورخان فلسفه‌ی است که پیش از میلاد مسیح یا در نخستین سده‌های پس از میلاد میزیسته‌اند. ایشان به احتمال قوی، کتاب هراکلیتوس را در دست داشته‌اند و از اینرو نسبت به مورخان امروزمین فلسفه، ممتازند. این نویسندگان، از افلاطون و ارسطو در سده چهارم پیش از میلاد آغاز میشوند و تا سیمپلیکیوس در سده ششم پس از میلاد تداوم می‌یابند.

مهمترین منبع دست دوم در مورد نوشته‌های فیلسوفان پیش‌افلاطونی، کتاب *پاره‌های پیش‌سقراطی*<sup>۱</sup> اثر هرمان دیلس<sup>۲</sup> است. چاپ ششم این کتاب سه جلدی، بین سالهای ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۲ م. با بازبینی والتر کرانتس شاگرد دیلس، انتشار یافت و از این جهت، به «نسخه دیلس - کرانتس» شهرت پیدا کرد. بیش از سی صفحه از نخستین جلد این کتاب به پاره‌های هراکلیتوس اختصاص یافته است. وی در این کتاب، پاره‌های بازمانده از این اندیشمندان را گردآورده و شماره‌گذاری کرده است. اساس این شماره‌گذاری، ترتیب الفبایی مأخذ اصلی یک پاره است. در نوشتار حاضر نیز ترتیب‌بندی پاره‌ها براساس شماره‌های دیلس صورت‌بندی شده است.

پس از دیلس، رشته‌ی از تفاسیر و ترجمه‌ها از پاره‌های هراکلیتوس آغاز شد که اگر بخواهیم بدرستی آنها را به دو دسته عمده تقسیم کنیم، باید از «مکتب انگلیسی»<sup>۳</sup> و «مکتب آلمانی»<sup>۴</sup> در تفسیر هراکلیتوس نام ببریم. مکتب انگلیسی با چهره‌هایی همچون بای‌واتر، جان برنت، گاتری و کرک شناخته میشود؛ اگر راسل و

۱۱۲

1. *Die Fragmente der Vorsokratiker*
2. Hermann Alexander Diels (1848-1922)
3. English School
4. German School

